

ژئوپلیتیک و بازیگری قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای در غرب آسیا

محمد رئوف حیدری فر^۱

مجید بیگزضایی^{۲*}

چکیده

ژئوپلیتیک به مطالعه و بررسی علمی قدرت و روابط آن در فضای جغرافیایی - سیاسی و در مقیاس فراملی می‌پردازد. در این رابطه خاورمیانه و مخصوصاً فضای ژئوپلیتیک غرب آسیا کانون تحولات و رویدادهایی بوده که توجه قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای را به خود جلب کرده است؛ به گونه‌ای که این رویدادها بر معادلات بین‌المللی تأثیر بسزایی دارد. خاورمیانه همانند آزمایشگاهی ژئوپلیتیکی است که درک و فهم معادلات و قواعد ژئوپلیتیکی آن می‌تواند در ارائه مسیری برای ایجاد صلح و ثبات کمک شایانی نماید. مجموعه عظیمی از تهدیدها، منازعات، تنش‌ها، جنگ و بی‌ثباتی امروزه در خاورمیانه به عنوان بی‌ثبات‌ترین منطقه جهان و یا کمر بند شکننده وجود دارد که هدف اصلی این مقاله مطالعه‌ای علمی و براساس دیدگاه علم ژئوپلیتیک بر این جریانات در این منطقه از جهان است تا از این طریق بتواند شناختی مناسب از فرمول‌ها و سیاست‌های موجود در این فضای ژئوپلیتیکی کسب نماید. هدف اصلی این نوشتار با روش پژوهش توصیفی - تحلیلی شناسایی تهدیدات و مخاطرات منطقه‌ای و مقابله با آن و نیز کمک به تقویت بنیان و ثبات ژئوپلیتیکی ایران و راههای دستیابی به آن است که این به بررسی کلیه موارد فوق پرداخته است.

واژگان کلیدی: چشم انداز قدرت، افق ۱۴۰۴، خاورمیانه، ایران

۱. استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه پیام نور

amirhidry123@pnu.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد پیام نور روانسر (نویسنده مسئول).

Saeidbr860@gmail.com

مقدمه

۶۷

دو فصلنامه علمی-ترویجی

مطالعات

بیداری اسلامی

ژئوپلیتیک و بازیگری قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای در غرب آسیا

مجید بیگر ضایبی و همکار

عرصه ژئوپلیتیک جهانی انعکاسی از روابط قدرت، به شکل خشونت آمیز و در قالب تنش، منازعه، جنگ و یا به شکل صلح آمیز و مثبت در راستای همکاری و توسعه است. هدف اصلی قدرت‌ها براساس نظریه واقع‌گرایانه تلاش برای کسب قدرت و استفاده از زور و سایر ابزارهای لازم جهت تأمین منافع و امنیت ملی است. پرواضح است که ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی و راهبردی خویش در منطقه خاص خلیج فارس همیشه مخصوصاً در قرن گذشته مورد توجه بوده است. مسئله تأمین انرژی در جهان و شاهراههای آن و همچنین چالش‌های ایدئولوژی میان غرب و اسلام به خصوص بعد از انقلاب اسلامی اهمیت ایران را برای غرب دوچندان کرده است. در سند چشم‌انداز بیست‌ساله، ایران دارای جایگاه اول اقتصادی علمی - فناوری در آسیای جنوب غرب (شامل آسیای میانه - قفقاز - خاورمیانه - و دول همسایه) می‌باشد. در این رابطه، ایران با پنج محدودیت اساسی روبه‌روست:

۱- چالش‌های مکتبی و ایدئولوژی با غرب (درک نکردن زبان همدیگر در مفاهیم دینی و تأثیر آن در روابط)

۲- چالش‌های نظام‌های در هم تنیده و منسجم بین‌المللی در رابطه با ایران

۳- چالش‌های داخلی در ایران و برنامه‌های استکبار و صهیونیست

۴- قدرت‌های هم‌تراز با ایران در داخل منطقه راهبردی خلیج فارس

۵- سیاست زدگی برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای و ملی در جابه‌جایی قدرت دولت‌ها در ایران

مبانی نظری

۱- تعریف مفاهیم

الف) منطقه (Region): براساس سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ هجری شمسی و نقشه آسیای جنوب غربی این منطقه شامل (آسیای مرکزی- قفقاز- خاورمیانه و دول همسایه ایران) ذکر شده است و نیز براساس موسسه مطالعاتی دانشگاه ییل آسیای جنوب غربی منطقه‌ای از شمال شبه قاره هند- آسیای میانه- قفقاز، آسیای صغیر- منطقه خلیج فارس و بخش عمده خاورمیانه به معنای مصطلح آن را در بر می‌گیرد. این منطقه به غیر از ایران که موضوع پژوهش است شامل ۲۴ واحد سیاسی مستقل است که مهم‌ترین آنها را (قدرت‌های منطقه‌ای را) مفصل شرح خواهیم داد.

ب) قدرت منطقه‌ای (Regional power): قدرت منطقه‌ای، مفهومی است که پس از پایان نظام دو قطبی مطرح شد (بلوک شرق و غرب): موضوع سلسله مراتب قدرت‌های منطقه‌ای را بوزان و یور مورد کار پژوهشی قرار داده‌اند و جهان را به شش منطقه امنیتی مهم (آسیای خاورمیانه، اروپا، افریقا-آمریکای شمالی و جنوبی) تقسیم کرده‌اند و به نظر آنها برخی کشورها بین مناطق مختلف امنیتی قرار دارند که آنها را نمی‌توان در زمره منطقه امنیتی خاصی قرار داد، مثل ترکیه که در بین آسیا و اروپا قرار دارد و کلاً ۳ درصد آن اروپایی و بقیه آسیایی است که ظهور قدرت‌های جدید منطقه‌ای و بلوک‌بندی‌های جدید نشانه زوال قدرت‌های استعمارگر قدیم است که در جای خود مثل (اکو- سازمان کنفرانس اسلامی (OIC)^۱-آ. سه. آن (ASEAN)^۲ به آن خواهیم پرداخت.

ج) ایدئولوژی: از نظر ساخت لغوی واژه‌ای است مرکب از دو جزء «ایده» و «لوژی» که ایده به معنی اندیشه، تصور - عقیده آمده است و لوژی به معنی دانش و شناسایی بکار می‌رود. بنابراین به معنای دانش و شناخت عقیده یا بطور خلاصه عقیده‌شناسی است.

اما امروزه ایدئولوژی معنای کاربردی دیگری دارد که عبارتند از معنای عام آن مرادف مکتب است که در اندیشه و عمل نهفته است و معنای خاص آن به دستورالعمل‌ها و باید و نبایدها مربوط بوده که در برابر بخش دیگری از دید ما نسبت به جهان یعنی جهان بینی (اندیشه‌های بنیادین) قرار می‌گیرد. پس ایدئولوژی اسلامی مجموعه رهنمودها و رفتارها و عملکردهای اسلامی است که از نظر اسلام هر کار یا عملی ابتدا باید به قصد قرب الی الله و سپس منافع فردی و جمعی افراد انسانی انجام و صورت پذیرد و غیر از این موارد از نظر فقه شیعه مردود و مطرود است. البته در مواردی که بحث مصلحت نظام اسلامی پیش آید باز تنها گزینه منافع فردی و جمعی اجتماع با تکیه بر قرب الی الله است و لاغیر. در بحث رابطه ایران و غرب، ایران معتقد است راه سومی غیر از ایدئولوژی غربی و شرقی به روی جهان بخصوص بعد از انقلاب ایران در سال ۵۷ گشوده شده است که در نهایت به نجات انسان‌ها در تمام ابعاد حیاتی بشری منتهی می‌شود و آن براساس اسلام ناب محمدی (ص) است.

د) قدرت: پژوهشگران بسته به دیدگاه و رشته تخصص خود هر یک تعریف جانبدارانه‌ای از قدرت چه ملی و چه منطقه‌ای داشته و دارند، اما چند دیدگاه مشخص از موضع قدرت تعریف می‌کنیم: ۱- دیکشنری آکسفورد: قدرت را توانایی انسان برای انجام کار یا عملی یا کنترل بر روی دیگران یا توانایی

1 . Association of southeast Asia Nation

2 . organization of Islamic confrence

فرد یا گروه دولتی برای نفوذ و اثرگذاری زیاد می‌داند، راسل قدرت و شکوه را والاترین اجر و پاداش بشری می‌داند. و یا ماکس وبر قدرت را امکانی می‌داند که فاعل و دارنده آن برای تحصیل اراده خویش بر دیگری حتی در صورت مقاومت وی از آن استفاده می‌کند و یا مورگنتا قدرت سیاسی را اشاره به وجود کنترل در روابط متقابل دارندگان اقتدار عمومی و میان اقتدار عمومی و عامه مردم می‌داند. اما چیزی که به نظر نگارنده کاملاً واضح و مبرهن می‌نماید این است که قدرت یکی از بنیان‌ها و اساس سیاست ملل است. امروزه هیچ دولتی بدون داشتن مولفه‌های قدرت در روابط بین الملل نمی‌تواند حافظ مقتدری برای دولت خویش باشد چون قدرت‌های قوی اراده خویش را به انحاء مختلف به دول ضعیف تحمیل کرده و فعال ما پشاه می‌شوند در فرهنگ ایرانی اسلامی هم مولفه‌های قدرت (سرزمین سیاست - فرهنگ - اقتصاد - اجتماع نظامی علمی - تکنولوژی) توجه خاص و ویژه شده و می‌شود. انسان ذاتاً طالب قدرت برتر است و همیشه در تلاش برای رسیدن به آن در تمام اعصار و دوره‌ها بوده است.

۲- معیارهای قدرت

در ارتباط با معیارهای قدرت اندیشمندان مختلفی به بحث و بررسی این مقوله پرداخته‌اند اما شاخص‌ترین آنها به شرح ذیل است (گلاسنر، ۱۹۹۳: ۱۱۹).

مارتین گلاسنر جغرافیدان سیاسی عوامل قدرت ملی را: ۱- سرزمین ۲- جمعیت ۳- حکومت ۴- اقتصاد ۵- ارتباطات ۶- قدرت نظامی ۷- روابط خارجی می‌داند و هانس مورگنتا عوامل قدرت ملی را در هشت جزء تقسیم می‌کند: ۱- موقعیت جغرافیایی ۲- جمعیت ۳- ظرفیت صنعتی ۴- منابع طبیعی ۵- روحیه ملی ۶- خصوصیات ملی ۷- آمادگی نظامی ۸- کیفیت دیپلماسی (کاظمی، ۱۳۶۹: ۱۳۷).

که عوامل قدرت از نظر هانس مورگنتا به بحث پژوهشی ما بیش‌تر نزدیک است. هر کشوری که شاخصه‌های فوق را ندارد یا درصد کمتری از آنها را دارد پیرو کشورهای قوی‌تر و معمولاً دنباله‌رو است و سیاست‌های کشور قوی‌تر را حمایت می‌کند تا تکیه‌گاه اطمینان بخش‌تری را پیدا کند. لازم به ذکر است که منابع طبیعی کشورها لزوماً منشأ قدرت ملی نیستند ولی اگر دارای تکنولوژی روز باشند که بتوانند از آنها استفاده مطلوب کنند می‌تواند به عنوان ابزار قدرت لحاظ شود.

روش پژوهش

این پژوهش به روش تحلیلی - توصیفی انجام پذیرفته است. شیوه اطلاعات آن بیش تر به صورت کتابخانه‌ای - اسنادی بوده و از مقالات معتبر بین‌المللی با زبان اصلی (انگلیسی) و فارسی بهره گرفته است. موارد مطرح شده در پژوهش براساس واقعیت موجود ایران و همچنین قدرت‌های منطقه و رقبای ایران در منطقه و قدرت فرا منطقه‌ای نوشته شده است و در نتیجه‌گیری به واقعیات موجود توجه خاص شده است.

۳- سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

از همان اول انقلاب و رهبری مقتدر آن در ابتدا و شعارهای آن که نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی و استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی کاملاً هویدا و روشن و مبرهن است. که این انقلاب دارای گفتمانی جدید در عرصه ملی و بین‌المللی است. شیوه حکومتی جدید و نیز اهداف جهانی و مسئله‌صدور انقلاب پیوسته دشمنان منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای برای کشور ایجاد کرد. در عرصه منطقه چون اساس حکومت معتقد به چارچوب اسلامی بودند دول منطقه‌ای مانند ترکیه (سکولار) عربستان (وهابیت متعصب) اسرائیل (حکومت نامشروع) و فرامنطقه‌ای چون آمریکا و انگلستان (مقابله ایران با سیاستهای آنها و قطع منافع به تعبیر رهبری) به مخالفت علنی و غیر علنی با ایران پرداختند. منافع و سیاست‌های آمریکا و اسرائیل اصلی‌ترین موانع تقویت و گسترش مرزهای اسلامی به شمار رفت و آمریکا و دوستان منطقه‌ای آن - چون ترکیه و اسرائیل - نیز ذاتاً ضد اسلامی در نظر گرفته شدند (شکوهی آذر، ۷، ۱۳۸۴). هم اکنون که نزدیک به چهارده از انقلاب ایران می‌گذرد دشمنی و عدوات دول منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ادامه داشته که گاهی در محاصره‌های سیاسی، گاهی اقتصادی، گاهی نظامی و ... متبلور می‌نماید. جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر مفاهیم عالیه اسلامی و رهبری مقتدر و حمایت‌های مردم شجاع و فهیم خویش از این بحران تحمیلی و استعماری مقتدر و توانا عبور کرده است؛ هر چند فراز و نشیب‌هایی داشته است که بصورت گذرا به آن خواهیم پرداخت.

۴- اشکال نظام بین الملل

بطور کلی ۳ دیدگاه مختلف در نظام بین الملل قائل شده‌اند که:

۱- نظام بین الملل در حال گذار که از آشفتگی نظام سرمایه‌داری و چرخش قدرت از غرب به شرق سخن می‌گوید.

۲- نظام چند قطبی بین‌المللی از نگاه طرفداران نظام چند قطبی سلاح‌های نظامی جریانی بوجود آورده‌اند که امکان جنگ و غلبه قدرت‌ها بر یکدیگر وجود دارد؛ مدعیان دیدگاه چند قطبی در نظام بین الملل بر محدودیت‌های قدرت آمریکا تأکید کرده و معتقدند یک ابر قدرت به تنهایی و به صورت تک قطبی نمی‌تواند آینده جهان را تعیین کند بلکه شماری قدرت‌های بزرگ پدید خواهد آمد. شماری از قدرت‌ها (مانند چین - هند - ژاپن) و شماری نیز در جوامع اقتصادی موجود نظیر اروپا و جنوب آسیا مراحل رشد و ترقی را می‌پیمایند که نقش تعیین کننده‌ای در ترسیم نظام بین الملل آینده خواهند داشت (افتخاری، ۱۱، ۱۳۸۲).

۳- نظام بین الملل تک قطبی (هژمونی): مدعیان این وضعیت به قدرت نظامی گسترده آمریکا، عرصه اقتصاد بین الملل، نقش ویژه آن را در نهادهای بین‌المللی وضعی پیروزی این کشور در رهبری نظام لیبرالیسم و به طور کلی فاصله قدرت آن با سایر قدرت‌ها اشاره می‌کنند. از این رو نگاه آمریکا این توان را می‌دهد که در کانون منظومه سیاست جهانی قرار گرفته و از طریق ایجاد هژمونی ایده ام‌القرای جهان لیبرال - دموکراسی تحقق بخشد (افتخاری، ۱۳۸۲، ۱۱).

۵- مخاطرات و موانع قدرت‌های خارج از منطقه در ایران

۵-۱- سیاست‌های ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران

روابط ایران و آمریکا از اواسط قرن نوزدهم میلادی آغاز شد (ویکی پدیا دانش نامه آزاد) این روابط از سال ۱۹۴۴ تا انقلاب ایران در بهمن ماه سال ۱۳۵۷ برقرار بود. اولین دخالت آمریکا و تجربه سیا در ایران به کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در سرنگونی دولت قانونی دکتر مصدق آغاز شد؛ این کودتا تأثیر مهمی بر روابط ایران و آمریکا گذاشته که هنوز آثار آن در روابط دو کشور محسوس است. در هجدهم (۱۸) مارس سال ۲۰۰۰ مادلین آلبرایت وزیر خارجه وقت آمریکا در سخنرانی خویش می‌گوید: در سال ۱۹۵۳ آمریکا نقش موثری در ترتیب دادن براندازی نخست وزیر محبوب ایران محمد مصدق داشت. در دوران پیروزی انقلاب و در واقع پس از بیست و دوم بهمن سال ۵۷ موانع فراوانی احیاء و با تسخیر سفارت آمریکا توسط دانشجویان ایران علیرغم منافع مشترک دو کشور وارد مرحله تازه‌ای شد که روز به روز بر وخامت اوضاع آن افزوده شده و فراز و نشیب‌های فراوانی داشته است. حمایت عملی نامحدود از مبارزان فلسطینی و حزب الله لبنان و جنبش‌های ضد آمریکایی - بحث صدور انقلاب - وحدت امت اسلامی - نقش ایران در اوپک و وحدت آن و نقش وحدتی ایران در اتحاد جهانی اسلام علیه منافع غرب - منزوی کردن رژیم‌های

ارتجاع غرب همه و همه در جهت مقابله با زیاده خواهی آمریکا و ضد منافع امپریالیسم غرب بود و روز به روز دیوار بی اعتمادی بر روابط دو کشور سایه انداخت و امکان هر گونه مصالحه را مردود می ساخت. برای مورد مقابله و مهار ایران می توان به استراتژی مهار^۱ اشاره کرد. بنابر اعتقاد بسیاری از صاحب نظران نظم نوین جهانی که آمریکا پس از موفقیت در بیرون راندن نیروهای عراقی از خاک کویت به دنبال آن برآمد، بر دو پایه تشخیص و مهار دشمنان ایالات متحده از یک سو و ائتلاف و همکاری با دوستان این کشور از سوی دیگر استوار بود (حاجی یوسفی، ۱۳۸۳: ۶۱۹). این سیاست در رابطه با ایران در دوران دموکرات ها در دهه ۹۰ و مهار دوجانبه ایران و عراق و در بعد از آن در دوران جمهوری خواهان ادامه یافت. این سیاست اکنون در چند محور اساسی دنبال می شود که عبارتند از: ۱- حمایت ایران از جنبش های آزادی خواه بعنوان حمایت از تروریسم قلمداد شود ۲- اتحاد و حمایت آمریکا در تمام زمینه با اعضای شورای همکاری خلیج فارس ۳- حمایت از دولت های دست نشانده و عربستان با گسترش اسلام وهابی و ارتجاع غرب ۴- تشدید فشارهای آسیای - اقتصادی به ایران و حمایت از گروه های داخلی، بطوری که آن کشور احساس می کند ممکن است در نظام ایران به نحوی با فشار تغییر رفتار ایجاد کنند. ۵- سیاست ایران هراسی و شیعه هراسی و باید اذعان کرد که ایده ژئوپولیتیک شیعه فقط و فقط در راستای مهار ایران و ایران هراسی و تشتت و تفرقه در جهان اسلام توسط صهیونیست ها و استکبار که در رأس آمریکاست بزرگ نمایی و گسترش یافت که بحث های فراوانی در این زمینه وجود دارد که بیش از این مختصر در این پژوهش نمی گنجد و به اطاله کلام می انجامد. ۶- تغییر نام خلیج همیشه فارس به خلیج (عربی) و به اذهان انداختن چنین عباراتی در کشورهای حوزه، اختلافات مرزی و آبی و پیش کشیدن آنها توسط آمریکا در جهت امتیازاتی از ایران و اما مهم ترین چالش که در دو دهه اخیر به اهرم فشاری علیه جمهوری اسلامی تبدیل شد برنامه هسته ای و نظامی ایران بود. تمام کارشناسان منصف بین المللی اذعان داشته و دارند که این بحث توسط آمریکا بهانه ای بیش نیست و هدف در جایی دیگر نهفته است و آن مقابله با قدرت روز افزون جمهوری اسلامی ایران است. آمریکا می دانست که ایران به طرف سلاح هسته ای نمی رود لیکن سوال اساسی اینجاست آیا ایران قوانین را نقض کرده بود؟ چرا آمریکا در مقابل کشورهایی که چنین رویه ای را پیش گرفته بودند چنین رفتاری که با جمهوری اسلامی ایران داشت با دیگر کشورها نداشت و مسئله چه بود؟ واقعیت این است که مشکلات ایدئولوژی - مسئله اسرائیل - تأمین انرژی جهان و حساسیت موقعیت ایران - دموکراتیک بودن حکومت ایران - تلاش دول عربی منطقه

برای عدم دستیابی ایران با فناوری هسته‌ای و رقابت شدید با ایران، آمریکا را بر آن داشت که رویه‌ای خلاف دیگر دولت‌ها در مورد ایران در پیش گیرد. ایران به عنوان یکی از امضاکنندگان پیمان منع گسترش سلاح‌های کشتار جمعی همواره سعی در اعتماد سازی داشته است و این موضوع در نشست‌های استانبول - بغداد و ژنو همواره مشاهده شده است و علاوه بر آن تعهد ایران به حکم مذهبی بود که توسط آیت الله خامنه‌ای (فتوا) در مورد سلاح هسته‌ای صادر نمودند که ایران هیچ گاه به دنبال بمب هسته‌ای نیست. با وجود تلاش دوازده ساله تیم هسته‌ای ایران و شرایط و توافق و حل مسئله منوط به درک واقع بینانه و متقابل و به دور از هرگونه فشار و دید ایدئولوژیک از دو طرف و احترام متقابل بود.

لیکن آمریکا دو راه بیش تر نداشت یا توافق با ایران از راه دیپلماتیک یا حمله نظامی: از آنجایی که در سال ۲۰۰۳ جرج بوش حمله به افغانستان را کلید زد و در مورد دومین حمله نیز واهمه‌ای نداشت و در واقع دستاورد محسوسی برای آمریکا نداشت و مورد هجمه بین‌المللی قرار گرفت و از طرفی باراک اوباما در انتخابات بعد پیروز میدان شد در حالی که به جنگ سوم فکر نمی کرد و البته اصولاً اوباما طرفدار قشون کشی نظامی با دلایل واهی نبود، چون هزینه سنگینی برای آمریکا داشت. از طرفی ایران با تقویت زیرساخت‌های نظامی و توان بازدارندگی و موشکی خویش و در تیررس بودن منافع و پایگاه‌های آمریکا و اسرائیل و شکل‌گیری گفتمان جدید در ایران باعث تقویت بعد دیپلماتیک آن و شکل‌گیری برجام شده و آمریکا مجبور به امتیازاتی از جمله غنی سازی و حفظ قسمتی از زیرساخت‌های هسته‌ای ایران شد و در واقع آمریکا پذیرفت و چون گذشته نیست و اما امروز دیگر ما در زمان پس‌برجام قرار گرفته ایم ملت ایران با توجه به سابقه رفتاری آمریکا خاطرات خوبی از این کشور بخصوص بعد از انقلاب اسلامی ندارند. اما با وجود بدعهدی آمریکا پس‌برجام امتحان خوبی برای دولت مردان آمریکا در زمینه رفتاری با ایران است. هر چند طیف وسیعی از جمهوری اسلامی ایران به خاطر مسائل تاریخی و بدعهدی آمریکا به این کشور بدبین هستند.

مسئله بعدی در رابطه با قضیه ادعای اخلال در روند صلح خاورمیانه است. از آنجایی که ایران معتقد است تا زمانی که حق طبیعی مردم این منطقه با واگذاری سرزمین‌هایشان به آنها اعاده نشود، صلح با ثباتی نخواهند داشت و از سویی آمریکا با حمایت یک جانبه از اسرائیل و تحمیل نظر خویش بر کشورهای عربی خاورمیانه برای سازش رژیم صهیونیستی که می‌خواهد قبح و زشتی سازش را به هر صورتی بشکند، ایران را متهم به اخلال در روند صلح خاورمیانه (با حمایت از گروه‌های فلسطینی - حماس - جهاد اسلامی - حزب الله لبنان کلاً جبهه‌های مقاومت اسلامی) می‌کند که باید اذعان داشت که مشکلات روابط در این

موارد همچنان باقی و به دلیل ماهیت وجودی و ساختاری بین دوطرف فعلاً راه حلی از دوطرف مشاهده نمی‌شود. ایران راه مقاومت اسلامی و آمریکا راه حمایت بی‌چون و چرا از اسرائیل و ارتجاع منطقه را انتخاب کرده و همچنان تداوم دارد؛ در مسئله سوریه باز اختلافات عمیق است؛ ایران معتقد است سوریه جزئی از جبهه مقاومت و مقابله با گروه‌های تروریستی جدید از جمله داعش است و آمریکا حکومت سوریه را سدی در مقابل اسرائیل و ارتجاع عرب می‌داند.

اختلاف دیگر ایران و آمریکا که می‌شود آن را جدی تلقی کرد در رابطه با داعش است که از طرف آمریکا، ترکیه و عربستان حمایت نظامی و مالی و تسلیحاتی می‌شوند. ایران معتقد است آمریکا با سیاست یک بام و دو هوای خویش و این وسیله سعی در تضعیف جبهه مقاومت و هدف قرار دادن وحدت اسلامی و فراموشی مسئله اساسی یعنی فلسطین دارد و برخوردی عملی و واقع بینانه با مسئله تشکیل داعش ندارد. از طرفی داعش با اشغال قسمتی از کشور عراق و سوریه، عملاً معضلات اساسی در منطقه ایجاد کرده است که به نظر هدف اساسی تشکیل آن تضعیف ایران و برنامه‌ریزی سیاسی اسرائیل در جهت تضعیف مقاومت اسلامی باشد. چه اینکه برخورد داعش با شیعیان و ضد شیعی بودن آنها کاملاً واضح و روشن است.

۲-۵- مسائل روابط اتحادیه اروپا و ایران

پیشینه روابط ایران و اتحادیه اروپا به دلیل نفوذ خاص آمریکا در این اتحادیه و تأثیرپذیری کشورهای عضو سیاست آمریکا دارای فراز و نشیب‌های فراوانی بوده است. در سال ۱۹۶۳، ایران با جامعه اقتصادی اروپا توافق نامه تجارت و همکاری منعقد ساخت. اروپا از طرفی با توجه بازار مصرفی ایران و منابع انرژی و نفوذ ایران در خاورمیانه و موقعیت ایران منعقد کرد در رابطه بوده است. این توافق موجب صادرات چند کالای سنتی ایران و اقلام مورد نیاز ایران در آن زمان بود اما مسائل جدید ایران و اتحادیه از انقلاب اسلامی ایران در سال ۵۷ آغاز گردید. در ابتدا روابط آنها تحت تأثیر مسئله گروگانگیری سفارت آمریکا و محکومیت اشغال آن توسط اتحادیه و فشار روزافزون آمریکا به سوی افول و تراجع سوق پیدا کرد و چیزی که به وخامت اوضاع کمک بیش تری کرد حمایت تسلیحاتی اروپا از جنگ تحمیلی صدام حسین و تحریم تسلیحاتی ایران بود. بعد از پذیرش قطع نامه ۵۹۸ شورای امنیت از جانب ایران فرصتی شد که فضای رکود و بی‌اعتمادی به گفتگوهای انتقادی و تقریباً سازنده فراهم شود اما انتشار کتاب آیات شیطانی توسط سلمان رشدی و موضع قاطع ایران و امام خمینی (رض) موجب فراخوانی سفرای آن اتحادیه از ایران شد و تقریباً چشم اندازی ملموس در روابط احساس نشده است. انگلیس به عنوان موتور محرکه

سیاست اروپا در این جریان نقش کاملاً مخربی بازی کرد تا اینکه مخالفت شدید اروپا با قانون داماتو و تحریم اقتصادی و معاملات با شرکتها و اشخاص ایرانی فضای بهتری ایجاد نمود. انتقاد اصلی اروپا این بود که آمریکا حق ندارد قوانین داخلی خود را به شرکای اروپا تحمیل کند. در ایران هم پس از انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۷۶ تقریباً زمینه برای گفتگوی فراگیر و سازنده انجام شد اما موارد اختلافی مهمی در دیدگاه آنها با ایران یافت می‌شود که می‌توان به طور خلاصه اختلاف در دیدگاه حقوق بشری، متهم نمودن ایران به حمایت تروریسم و صلح خاورمیانه نقش آمریکا و گروهی اندک از وابستگان اسرائیل در روابط ایران و اتحادیه اروپا را یادآوری کرد. ایران هرگز نقش مخرب تعداد از کشورهای اروپایی در مذاکرات هسته‌ای را فراموش نکرده اما دیدگاه مثبتی در ایران هم نسبت به برقراری روابط باثبات با اروپا وجود دارد و آن این است که می‌گوید باید منافع دراز مدت دو گروه را در نظر گرفت نه چالش‌های موقتی و گذرا. این دیدگاه مهم گروهی از مردم و نخبگان که اروپا شریک سیاسی و تجاری مطمئنی در سطح بین‌المللی با توجه ظرفیت آن و وزن و اعتبار آن در تحولات جاری یا ژئوپلتیکی و بازیگران مهمی در آن چون فرانسه - آلمان - انگلیس می‌باشند. هر چند بعد از انتخابات سوم تیر ماه سال ۱۳۹۵ در انگلیس و رأی بر خروج این کشور از اتحادیه، اوضاع را پیچیده کرد و نشان می‌دهد اتحادیه اروپا نیز دارای مشکلات عمیقی است و روز به روز بر عمق آن ممکن است افزوده شود؛ لیکن آنچه برای ایران در حال توسعه مهم است حفظ روابط با اتحادیه اروپا و توجه به خطوط قرمز جمهوری اسلامی ایران مراتب رفتار آن اتحادیه در موارد مطرح شده در پسابرجام است که اروپا حسن نیت خویش را به منطقه ظهور و ثبوت برساند.

۶- رقبای ایران در منطقه و چالش‌های پیرامونی

۶-۱- اسرائیل

در اثنای جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۷ میلادی وزیر خارجه انگلیس اعلامیه معروف خویش در حمایت از تشکیل دولت یهود در فلسطین تقریباً درد و رنج این ملت بزرگ آغاز شد. یهودیان با توطئه با مهاجرت و غصب از یک سو و با آواره کردن ملت فلسطین از سوی دیگر و با نقشه‌های مکارانه استعمار انگلیس و آمریکا بر مسلمانان فلسطین ظلم آشکار روا داشته که هر عقل سلیمی و هر وجدان بیداری را به درد آورده و جای تردید نمی‌گذارد که اسرائیل واقعاً غاصب است. اما مسلمانان به حکم سخن پیامبر اعظم خویش

که فرموده که کسی شب را به صبح آورد و همتی در امور مسلمانان نداشته باشد، او مسلمان نیست، وظیفه‌شان دو چندان می‌شود، هم به لحاظ انسانی و هم به لحاظ مسلمان بودن.

کشورهای عربی و در رأس آنها سوریه و مصر به طور رسمی ۴ بار در سالهای ۱۹۴۸، ۱۹۵۶، ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ با اسرائیل وارد جنگ شدند و جز در یک مورد که موفقیت جزئی داشتند در بقیه موارد شکست را تجربه کردند. نقطه آغازین چرخش سیاسی اعراب را می‌توان ابتدا در مصر و چرخش ۱۸۰ درجه‌ای پذیرش و پیمان ننگین صلح کمپ دیوید جستجو کرد.

یگانه کشوری که سیاست‌های خبیث دولت صهیونیستی را برملا و اصرار و ابرام بر آن داشت جمهوری اسلامی ایران بود. بر همین اساس سیاست خارجی اسرائیل از این مقطع براساس انزوا و مهار قرار دادن ایران استوار بود. در راستای تحقق این سیاست، طرح خاورمیانه جدید بوسیله شیمون پرز در راستای گسترش سلطه اسرائیل بر منطقه خاورمیانه و محاصره ایران طرح شد. امضای قرارداد صلح اسلو با فلسطینی‌ها در سال ۱۹۹۳ و سپس صلح اردن در ۱۹۹۴، تلاش اسرائیل برای ورود به آسیای مرکزی و قفقاز آغاز شد. اتحاد استراتژیک میان اسرائیل و ترکیه، ورود اسرائیل به خلیج فارس به بهانه اجلاس اقتصادی خاورمیانه و همچنین گسترش مناسبات اسرائیل با چین و هندوستان همگی در راستای محاصره ایران صورت گرفت (حاجی یوسفی ۱۳۸۲ ب، ۱۶۵).

ایران نیز با انکار علنی هلوکاست در دوران ریاست جمهوری احمدی نژاد و دفاع از حزب الله لبنان در جنگ ۳۳ روزه و کمک مستشاری و تا اندازه‌ای تسلیحاتی در برهه‌ای عملاً رودر روی اسرائیل قرار گرفته است. اکنون چون گذشته نیست و ضربه پذیری اسرائیل از گروه‌های جهاد مقاومت - حماس - حزب الله لبنان عملاً اثبات شده است و موشک‌هایی که در دستان حزب الله لبنان و مقاومت قرار دارد عملاً افسانه شکست ناپذیری اسرائیل به زباله دان تاریخ فرستاده شده است. اما اسرائیل از تنها چیزی که واهمه داشته و دارد قدرت نفوذ ایران در منطقه و حمایت آشکار این کشور از جبهه مقاومت است. رژیم غاصب صهیونیستی که از انزوای ادراکی در رنج است و همه همسایگان را دشمن خود می‌پندارد و در انزوای کامل بسر می‌برد همواره به دنبال کسب دوستان جدید همانند ترکیه است که در وضع مشابهی همانند این کشور است و از این طریق در تلاش است تا به سیاست‌های منطقه‌ای خود جامه‌ی عمل بپوشاند. به علاوه، این نکته نیز ضروری است که رژیم صهیونیستی دشمن استراتژیک جمهوری اسلامی ایران است و این کشور که براساس اهداف ملی ما به صورت جعلی بر روی نقشه به وجود آمده، با تغییر اوضاع و شرایط بین الملل و حل و فصل حتی مشکلات در خاورمیانه و جهان دشمن باقی خواهد ماند.

۲-۶- عربستان سعودی، چالش‌ها و سوابق روابط دو کشور

۷۷

دو فصلنامه علمی-ترویجی

مطالعات

بیداری اسلامی

مجید بیگر ضایبی و همکار

ژئوپلیتیک و بازیگری قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای در غرب آسیا

سابقه روابط دو کشور در این جا بصورت گذر از سال ۱۹۷۹ میلادی بررسی می‌شود. در آن زمان با سقوط حکومت سلطنتی در ایران و بوجود آمدن نظامی اسلامی (شیعی) و کشوری که در صدد صدور انقلاب خویش بود آغاز و درست در دو سوی خلیج فارس یک طرف (عربستان) حکومتی سنی متعصب و طرف دیگر خلیج فارس حکومتی شیعی قرار داشت که به نظر آگاهان سیاسی بیش تر مواقع رودر روی همدیگر قرار داشته‌اند. حمایت و کمک مالی و تسلیحاتی عربستان سعودی به عراق در جریان جنگ تحمیلی ۱۹۸۸-۱۹۸۰ بر وخامت اوضاع افزود؛ چیزی که بیش از پیش ایجاد تنش بین دو سوی خلیج فارس را افزایش داد، فاجعه کشتار حجاج ایرانی در مکه در جولای ۱۹۸۷ میلادی بود. فقط در ۱۹۹۹ میلادی روابط دو کشور کمی بهبود یافت اما سیاست تنش زدایی هم دوام چندانی نیاورد و افزایش نفوذ ایران و وقوع بیداری اسلامی و موج انقلاب‌های دموکراسی خواهانه در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و اعتراضات و تظاهرات در بحرین (زیر نفوذ سعودی) باعث موج جدید تنش در روابط دوسوی خلیج فارس گردید. سایت افشاگر (ویکی لیکس) گزارش داد که ملک عبدالله در سال ۲۰۰۸ میلادی از آمریکا خواسته بود تا به ایران حمله کند و از این موضوع تحت عنوان (لزوم قطع سرمایه) یاد کرده بود.

به این سخنان وهابی‌ها به نقل از فیکال تایمز در فروردین سال ۱۳۹۴ توجه نمایند: ای مسلمانان گوش فرا دهید، جنگ ما ایران و شیعه است. به خدا سوگند، این جنگ تا زمانی که اینها (ایرانیان) بر روی زمین هستند، ادامه دارد. باید مثل صلاح الدین پیش از مبارزه با یهودیان و مسیحیان با شیعه و ایران بجنگیم. به خدا جنگ ما فرقه‌ای است. فریب این تحلیل‌گران و نمایندگان رسانه‌ها را نخورید که می‌گویند این درگیری سیاسی است. نه. این جنگ، جنگ بین شیعه و سنی است. و اولویت‌ها اکنون مبارزه با شیعیان است نه یهودیان.

این سخنان عمق خباثت درونی وهابیون و نقشه طراحی شده صهیونیست و استکبار که در رأس هرم آن آمریکا است را نشان می‌دهد و چنین فضایی خود گویای بسیاری از تزویرها و دورنگی در سیاست‌های آمریکا و اسرائیل و همسویی سعودی با آنان است. اما فضای روابط دو کشور به اینجا ختم نشد تا اینکه جنگ نیابتی عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی و آمریکا در سوریه و علیه مقاومت اسلامی و تشکیل به اصطلاح دولت اسلامی شام و عراق (داعش) و حمایت همه جانبه عربستان سعودی از آن و از سوی سنگ اندازی عربستان در مذاکرات هسته‌ای و برجام و حتی پس‌برجام با سفرهای گوناگون مقامات سعودی به آمریکا و کشورهای منطقه و سعی در ائتلاف علیه ایران و منافع این کشور در منطقه همچنان

گشوده و باز است و روز به روز بر دیوار بی اعتمادی میان دو کشور افزوده می‌شود، در حالی که دو کشور پهناور دارای پتانسیل‌های فراوان می‌توانند مأمّن و پناهگاهی مطمئن برای مسلمانان و وحدت اسلامی باشند. امروز در فضای ارباب و تزویر آمریکا و اسرائیل به چنین روزی افتاده‌اند. هر چند سعودی‌ها بعد از اشغال عراق بتدریج سعی کردند نقش خود را در معادلات عراق افزایش دهند و در لبنان رویکرد رقابت آمیز با ایران در مورد حمایت جامعه سنی مذهب این کشور داشتند. لیکن موفقیت حزب الله لبنان مورد حمایت ایران این توطئه را نیز خنثی کرد. در عراق نیز سعودی به جهت نفوذ خاص شیعیان موفق عمل نکرد. عربستان در بحث هسته‌ای نیز همسو و هماهنگ با آمریکا و اسرائیل در جهت متوقف کردن برنامه هسته‌ای و نظامی ایران عمل کرد که کلیه اسناد موجود است، لیکن بیش از این در پژوهش نمی‌گنجد و به اطلاع کلام می‌انجامد. و چالش دیگر روابط، حمایت ایران از شیعیان یمن و حمله عربستان به این کشور همسایه خود است که ایران و عربستان که در این جا به تقابل دیدگاه و جنگ سیاسی و روانی و پیچیدگی مخاصمات افزوده شده است که همچنان ادامه دارد.

«امروزه منازعه‌ای آشکار در میان دولت‌های اسلامی از جانب آل سعود در حال روی دادن است که تنها به نفع دولت‌های غربی و تروریستی می‌باشد. رژیم آل سعود که حکومت عربستان سعودی را در اختیار دارد داعیه رهبری جهان عرب و جهان اسلام را دارد و در گذشته در این رابطه با برخی از دولت‌های عربی همانند عراق، مصر و سوریه تنش‌هایی را به وجود آورده است، و امروزه دوباره شاهد هستیم، با ایجاد نا آرامی خصوصاً در سه کشور عراق، سوریه و یمن بدنبال افزایش قلمرو ژئوپلیتیکی خود در منطقه می‌باشد تا از این طریق بتواند از نبردان قدرت در سلسله مراتب آن در جهان بالا رفته و وزن خود را افزایش دهد و تمامی این اقدامات و تحرکات در حالی صورت می‌پذیرد که عربستان سعودی به رهبری آل سعود از مشروعیت داخلی نیز برخوردار نیست. رژیم آل سعود در حال حاضر فضای جدید ژئوپلیتیکی بعد از جنگ سرد و نیز تحولات مربوط به بیداری اسلامی که برخی از حکومت پادشاهی و مرتجع عربی را با چالش مواجه کرده معادلات نو را در فضای خاورمیانه که کمر بند شکننده جهان می‌باشد و ناامن‌ترین منطقه جهان، رقم زده است.

رابطه ایران با اکثر کشورهای جهان یا به عبارتی سیاست خارجی ایران از الگوهای عدم تجاوز به همسایگان پیروی کرده، می‌کند، نگاهی به تاریخ، به درستی گویای این امر است. و ما شاهد هستیم در طی تاریخ، ایران هیچ گاه به همسایگان خود حمله نکرده بلکه حتی خود قربانی این امر نیز بوده است. هر چند رقابت‌های سیاسی و ژئوپلیتیکی امری اجتناب ناپذیر بوده و اغلب حکومت‌ها در جهت تأمین منافع ملی و

ایجاد امنیت با هم به رقابت دست می‌زنند، اما بایستی عنوان نمود حوادث مشهد و تهران به شدت از جانب مردم و مسئولان نظام محکوم شد.

این تحرکات باعث ایجاد بی‌ثباتی، جبهه‌گیری، منازعه، خشونت، بی‌اعتمادی، جنگ و نهایتاً بحران همانند نوعی جدیدی از جنگ سرد البته در مقیاس منطقه‌ای خواهد شد. بعد از اتفاقات ما بین ایران و عربستان، یاری‌گیری سیاسی در میان کشورهای عربی و اعلام حمایت این کشورها از عربستان به مسئله تأسف بار دیگری در جهان اسلام مبدل شد، و این چیزی جز ایجاد شکاف در جهان اسلام نیست و تنها به نفع رژیم غاصب صهیونیستی و به ضرر تمامی کشورهای جهان اسلام خواهد بود که آشکار کننده بی‌ثباتی بوده و بر میزان تنش‌ها می‌افزاید، و در نهایت مجموعه‌ای از این اتفاقات، رویدادها و تهدیدات امنیتی زمینه ایجاد جنگ و ناامنی را در این منطقه از جهان به وجود آورده است.

امروزه در خاورمیانه به جای رویارویی اسلام با غرب بیش‌تر شاهد رویارویی کشورهای اسلامی باهمدیگر هستیم. دلیلی که می‌توان برای این امر بیان نمود این می‌باشد که، به جای توجه به بزرگ‌ترین مشکل جهان اسلام یعنی فلسطین، تروریسم، جنگ‌های داخلی و آشوب در خاورمیانه، افزایش یافته است و دوستی پنهانی رژیم صهیونیستی و عربستان و وحدت رویه آن دو در قبال ایران مشاهده می‌شود. اگرچه این جریان‌های تفرقه افکنانه نشان از بیداری نیست و باید دانست که تفرقه و اختلاف و تقابل و جنگ پروژه‌ای بیش نیست که آنهم توسط غرب و با هدایت آمریکا و اسرائیل برای خاورمیانه به اصطلاح بزرگ طرح‌ریزی شده است تا از این طریق بتوان تهدید اسلام را که بعد از فروپاشی شوروی بزرگ‌ترین تهدید غرب مطرح شده از بین برد و یا به عبارتی به اسلام هراسی خاتمه داد» (حیدری فر، ۱۳۹۵).

۳-۶- ترکیه: روابط و چالش‌ها

از ترکیه به عنوان پل بین آسیا و اروپا، واقع در غرب آسیا و جنوب شرق اروپا یاد می‌شود. این کشور با ایران-ارمنستان-گرجستان-عراق-سوریه-بلغارستان و یونان مرز زمینی مشترک دارد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران در زمان حکومت سکولارها در ترکیه دو طرف سعی داشتند با یکدیگر تعامل کنند. تا پیش از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه اولویت راهبردی خارجی ترکیه عضویت در اتحادیه اروپا بود که با مخالفت‌های این اتحادیه روبه‌رو و همچنان پابرجاست. هر چند اخیراً اتحادیه با جدایی انگلیس بصورت رسمی دارای چالش‌های بزرگی است. اما با روی کار آمدن اردوغان دکترین سیاست خارجی این کشور عدم تنش با همسایگان بوده است اما این سیاست نیز چندان پایدار نشد و با

اوج گیری مسائل سوریه (ترانزیت سلاح برای تروریست‌های داخل سوریه از طریق خاک ترکیه و انتقال تجهیزات و موشک‌هایی به داخل مرزهای سوریه) و ورود ارتش ترکیه به خاک عراق و مسئله کردها - شائبه در مورد خرید نفت از تروریست‌های داعش و در مورد ایران با موضع گیری تند و اتهامات مقامات ترک در مورد مبارزه با ایران با تروریسم در منطقه، اختلافات فراوان ایران و ترکیه در مورد سوریه و یمن همکاری‌های ترکیه و اسرائیل، و استقرار موشک‌های ناتو در ترکیه ابعاد تازه‌ای یافته و عملاً سیاست تنش زدایی ترکیه در روابط با همسایگان مهم و مسلمانش را زیر سوال برده است. به طوری که بسیاری از مسائل برای افکار عمومی داخلی در ایران و ترکیه قابل تحلیل و فهم نیست، بسیاری از کارشناسان خاور میانه مسائل یادشده در فوق را ناشی از سیاست خارجی نوعثمانی‌گرایی ترکیه و کنار گذاشتن سیاست‌ها، به ظهور رساندن تنش با همسایگان ارزیابی می‌کنند. بطور کلی چالش‌های ایران و ترکیه ۱- در مسائل ایدئولوژیکی که از اوان پیروزی انقلاب آغاز شد، نظامی لائیک و نظامی با ایدئولوژی کاملاً اسلامی ۲- چالش در منطقه قفقاز و آسیای مرکزی از آنجایی که هر دو کشور در منطقه فوق منافع و مسائل متنابعی دارند از یک رقابت ژئوپولتیکی چه در زمان جنگ سرد و چه بعد از آن داشته و دارند ۳- بحث اسرائیل و همگرایی صددرصدی ترکیه با اسرائیل و اختلافات عمیق با ایران. از آنجایی که ترکیه مناسبت نزدیک با غرب و آمریکا دارد به نوعی نگاه اعراب متوجه این کشور شده تا بتوانند از این مناسبات بهره برداری کنند و بر این اساس موقعیت ایران تضعیف شود (احتشامی، ۱۳۸۶: ۷۴). ۴- با تعمیق همگرایی میان ترکیه و اتحادیه اروپا مرزهای ایران و ترکیه در واقع مرز ایران با اتحادیه اروپا خواهد شد و این امر پیامدهای اقتصادی امنیتی قابل توجه دارد ۵- باید توجه داشت بعد از پذیرش برجام مسائل جدید و مفیدی در استحکام روابط ایران و با اتحادیه اروپا برقرار شده است.

نتیجه‌گیری

مطابق آنچه در این نوشتار به آن اشاره شد می‌توان نتیجه گرفت که ایران از عوامل قدرت ملی در چهار شاخصه (از هشت شاخصه که بیان شد) سرآمد و الگو می‌باشد که عبارتند از موقعیت جغرافیایی برتر- توان بازدارندگی و نظامی سرآمد- تحصیل کردگان نخبه- روحیه انسجام یافته ملی و اسلامی و جهادی؛ اما در ارتباط با شاخصه ظرفیت صنعتی - جمعیت- روابط خارجی و مسائل اقتصادی برخی چالش‌های حل نشده داخلی کشور ما همچنان با دشواری‌هایی روبه روست. به طوری که در مورد شاخص صنعتی و مسائل اقتصادی پیشرفت زیاد ملموسی فعلاً برای عامه متصور نیست که روی مسائل فوق طبق چشم انداز ۱۴۰۴ برنامه‌ریزی کرد. در مورد شاخص پذیری نیز کشور ما به دلیل باورها و اعتقادات نظام از لحاظ ایدئولوژی در مسیر مقابل نظم موجود در نظام بین الملل قرار گرفته و این نظام برخلاف گذشته که زمانی ژاندارم منطقه بود اکنون درست در مقابل نظام سلطه قد علم کرده و تاکنون به خوبی از عهده آن به عنوان حامی اصلی ملت‌های مسلمان برآمده است.

مطابق آنچه بیان شد راهکارهایی چند جهت رفع چالش ارائه می‌نمایم که بطور خیلی خلاصه بیان می‌شود تا موجب اطلاله کلام نشود:

۱- افزایش اعتبار و جبهه شایسته بین‌المللی از طریق اقع افکار عمومی جهان و سیاست تنش زدایی که دولت یازدهم تا اندازه‌ای در این زمینه موفق عمل کرده است.

۲- امضای توافق‌نامه‌های تجارت آزاد به صورت منطقه‌ای و یا بین دول همسایه و پی‌گیری عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی

۳- اعتمادسازی و جلوگیری از امنیتی شدن جمهوری اسلامی ایران و تلاش در جهت اعتماد دو و چند جانبه با رقبای ژئوپولتیکی ایران

۴- تقویت پایه‌های اقتصاد ملی و پیگیری برنامه‌های مبارزه با فساد اقتصادی و پول شویی و تلاش در جهت نهادینه کردن اقتصاد مقاومتی و همراه نمودن افکار عمومی و مدیران با آن

۵- تقویت و پی‌گیری مسائل مطرح شده در چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی و تقویت عزم ملی و کوشش برنامه‌ریزی شده در مسیر تحقق آرمان‌ها و اهداف کشور عزیزمان ایران

۶- با توجه به جوان بودن کشور و خیل عظیم بیکاران مخصوصاً فارغ التحصیلان دانشگاهی تلاش جهت اشتغال و ارتقاء نسبی سطح درآمد سرانه و کم نمودن فاصله طبقاتی

- ۷- تلاش جهت رفاه و تأمین اجتماعی پایدار برای تمامی اقشار اجتماعی و حداکثر بهره‌وری از منابع روستاها و گسترش اقدامات ترویجی و رفاه عمومی مردم روستانشین
- ۸- تلاش وافر در زمینه صنعتی و کم نمودن فاصله فناوری با دنیای مدرن و فن آوری‌های دانش بنیان و نو
- ۹- ترویج و توسعه کرسی‌های آزاد اندیشی و استفاده از نخبگان سیاسی و اقتصادی در حل مسائل جاری کشور
- ۱۰- شناساندن موقعیت‌ها و زیر ساختها و توانمندی‌های جمهوری اسلامی به جهانیان و حمایت از توسعه گردشگری علمی - اقتصادی - تفریحی در تمام استانهای کشور با استفاده از فن آوری‌های جدید و حمایت از نهادهایی چون بسیج سازندگی
- ۱۱- توجه ویژه نهادهای برنامه‌ریز به علوم پایه و ارتقاء و حمایت ویژه از نخبگان رشته‌های فوق
- ۱۲- توجه ویژه دولت به مناطق کمتر توسعه یافته و محروم که در آینده به چالشی داخلی برای بحران‌های ملی و اجتماعی تبدیل نشود و بطور کلی بسط و توسعه برنامه‌ریزی‌های ملی و منطقه‌ای با توجه به آمایش سرزمین.

منابع

۸۳

دوفصلنامه علمی-ترویجی

مطالعات

بیداری اسلامی

مجید بیگر ضایبی و همکار

ژئوپلیتیک و بازیگری قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای در غرب آسیا

- اسدی، بیژن (۱۳۷۱)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- اسدی، علی اکبر (۱۳۸۷)، «استراتژی‌های ایران با ابعاد و چالش‌های منطقه‌ای»، فصلنامه راهبرد. شماره ۴۷.
- حیدری، جواد (۱۳۸۲)، بررسی ابعاد نظام امنیتی در منطقه قفقاز. شماره ۴۲.
- موسوی، سید رسول (۱۳۸۲)، ساز و کارهای امنیتی در منطقه قفقاز. شماره ۴۲.
- ایزدی، جهانبخش (۱۳۸۵)، «معنایابی ایران، قدرت برتر منطقه»، کتاب مجموعه مقالات همایش سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، ظرفیت‌ها و بایستگی‌ها، چالش‌ها و فرصت‌ها. تهران: نشر نخستین.
- حسینی، محمد تقی (۱۳۸۴)، موضوع هسته‌ای ایران، چالش بزرگ برداشت دوم (سری جدید). سال پنجم، شماره ۷.
- حاجی یوسفی، امیر محمد (۱۳۸۴)، ایران و رژیم صهیونیستی؛ از همکاری تا منازعه. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- سمیعی اصفهانی، علیرضا (۱۳۸۸)، «ژئوپلیتیک جدید خاور میانه و چالش ایران و آمریکا»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی. شماره ۲۶۴.
- شکوهی آذر، فاطمه (۱۳۸۴)، «سیاست خارجی ایران و همگرایی نظامی ترکیه - اسرائیل»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه. سال ۱۲، شماره ۱، ضمیمه شماره ۴۱.
- مجتهد زاده، پیروز (۱۳۹۱)، فلسفه و کارکرد ژئوپلیتیک: (مفاهیم و نظریه‌ها در عصر فضای مجازی). تهران: انتشارات سمت.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۹۳)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک. انتشارات آستان قدس رضوی.
- ورجاوند، پرویز (۱۳۷۴)، «بحران دیپلماسی ایران و پیامدهای آن»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی. شماره ۱۱۰ - ۱۰۹.
- مورگنتا، هانس (۱۳۷۹)، سیاست میان ملت‌ها: تلاش در راه قدرت و صلح. ترجمه: حمیرا مشیرزاده، چاپ دوم، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

- قهرمان پور، رحمن (۱۳۸۶)، **ایران و ژئوپلیتیک قدرت در جهان عرب**. نامه دفاع (۱۴)، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی - معاونت پژوهش.
- حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۹۲)، **جغرافیای سیاسی ایران** (ویرایش با تجدید نظر اساسی).
- نوازنی، بهرام (۱۳۸۴)، «کاربرد ابزار تحریم اقتصادی ایالات متحده در برخورد با جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه سیاست خارجی**. سال نوزدهم، شماره ۲.
- «سابقه تنش در روابط ایران و عربستان»، **فصلنامه سیاست‌های خارجی**. وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۹۳)، **مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی** (تجدید نظر اساسی با اضافات).
- واعظی، محمود (۱۳۸۶)، **چالش‌ها و رویکرد امنیتی ایران در محیط پیرامونی**. معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در بحث امنیت.